

پاسخی برای رفع شبهات جناب عبدالحی پیرزاده

که در ارتباط به موضوع اهل بیت پیغمبر (ص) ارائه داشته بودند .

قسمت اول

نحمد ه ونصلی علی رسوله الکریم ونعوذ بالله من شرور انفسنا ومن سیئات اعمالنا ، من ینده الله فلا مضل له ومن یضلل فلن تجد له ولیا مرشداً

برادران وخواهران عزیزم! السلام وعلیکم ورحمة الله وبرکاته!

همانطوریکه برادران وخواهران و دوستان عزیزم از طریق سایتهای اینترنتی و فیس بوک در جریان هستند ، بنده از مدت زمانیکه که وقتاً فوقتاً مطالبی را در ارتباط بمسائل اسلامی ((عقاید اسلامی و موضوعات اجتماعی و تاریخی اسلام و بحثهای مربوط به سیرت پیامبر (ص) و یاران و اصحاب و اهل بیت رسول الله (ص)) ویا مسایل اخلاقی و تربیتی و عرفانی و بعضاً مسایل سیاسی و ادبی را بشکل منظوم ویا بر شیوه نثر نوشته و به نشر می سپارم .

اما از آنجائیکه بر اساس اصول اعتقادی مسلمانان و خاصتاً اهل سنت وجماعت ، هیچ کس (به جز پیامبران معصوم نبوده و نیستند و از ارتکاب خطا و اشتباه مبرا نمی باشند و بنا به بقول پیامبر(ص) که فرمودند : « کل ابن آدم خطاءٌ وخیر الخطائین التوابون » یعنی : « تمام اولاد آدم (بلا استثنا) محل ارتکاب خطا و اشتباه هستند و بهترین خطاکاران توبه کنندگان و بر گشت کنندگان از اشتباه وخطا هستند »

بناءً بنده خاکی نیز هیچ کس را (منهای همه پیامبران الهی که به منبع وحی الهی وابسته اند) از خطا و اشتباه وحتی گناه معصوم ندانسته ودر راس آن خودم و هر کس دیگر را نیز از اشتباه وخطا مصئون فکر نکرده و مثبتی نمیدانم .

بنده خیلی خوشحال میشوم تا همه مسلمانان ، مانند آئینه های همدیگر ، گرد و غبار یکه بر صورت ویا فکر برادران وخواهران مسلمان خود می بینند، بدقت بنگرند و در جهت پاکی آن گرد و غبارها دست بکار شوند . ودرین مورد به حدیث معروف پیامبر اسلام (ص) اشاره میکنم که میفرماید : «المومنین میرات المؤمنین» یعنی : «مسلمان آئینه مسلمان است»

چون انسانها خود را وخصوصاً عیوب و نقصانات و اشتباهات خویش را کمتر متوجه شده ویا حتی نمی بینند و درک نمیکنند ، پس لازم است تا دیگر مسلمانان آنها را بر اشتباهات و لغزشها و خطاهای ایشان ملتفت ساخته وصادقانه از ایشان آئینه داری کنند .

البته این آئینه داری نیز باید جنبه اصلاح طلبانه داشته و برای رفع نقیصه باشد نه اینکه طرف خود را با کلمات و عبارات موهن ویا با لهجه ای خطاب کنند که دعوت شان از جنبه نصیحتگرانه و اصلاح طلبانه بر آمده و جنبه فضیحت گونه را بخود گرفته و با عث هتک حرمت برادران وخواهران شان بگردد، ویا اینکه خدای ناخواسته بر کسانیکه اشتباه کرده اند ، فخر و تکبر بفروشند ، وانهارا تحقیر ویا استهزا کنند.

البته یاد آوری و تذکار اشتباهات عمل پسندیده است و جای دارد تا هر کس نصیحت برادر ویا خواهر خویش را نیز بدیده قدر ببیند .

درین جا لازم می بینم تا نقل قولی را از زبان سیدنا حضرت عمر (رض) دومین یار و دومین خلیفه بر حق مسلمین و خسر جناب پیامبر (ص) که در هنگام خلافت خویش در بالای منبر اعلام داشتند ، باز گو کنم که

فرموده بود : « رَحِمَ اللهُ امْرَأَةً اَهْدَى السَّبِيلَ عِيُوبِي » یعنی : « خداوند آن کسی را مورد رحمت خویش قرار بدهد که عیوب مرا برای من هدیه می کند » این کمال تواضع و فروتنی خلیفه بزرگ مسلمانان است . همان خلیفه ای که کاخ قیصر و گسرا را در هم کوبیده است و قلمرو اسلامی را تا به امپراطوری فارس قدیم و بیت المقدس انگشاف داده و در قلمرو خلافت خویش ، امنیت و عدالت اسلامی را قائم ساخته است ، و از منبر خلافت اسلامی خویش ، چنین متواضعانه ، به مردم خطاب میکند تا عیوب او را برایش باز گو کنند و باز گو کردن عیوب خویش را نوعی هدیه و تحفه برای خود میدانند ، و بر هدیه کننده این تحفه ، نیز رحمت و بخشش خداوند را طلب مینماید .

با این مقدمه به اصل موضوع می پردازم .

چندی قبل من یک دوبیتی سروده بودم که در آن ، بر اساس مطالعات اولیه ای که از قرآن و حدیث و روایات دینی و تاریخی و کتب سیرت برداشت کرده بودم شخصیت های که منسوب به اهل بیت پیامبر (ص) بودند بطور زیر در یک دو بیتی چنین باز گو کرده بودم :

اهل بیت پاک پیغمبر به اول همسران
هم علی و فاطمه ، سبطین و باقی دختران
حمزه و عباس و ابن زید و اولاد عقیل
نیز سلمان را چنین گفت آن شه آخر زمان

همسران = (امهات المومنین)

علی پسر کا کای پیامبر (ص) و همسر بی بی فاطمه دخت رسو الله (ص)

سبطین = (نواسه ها) مراد از امام حسن و امام حسین (رض)

حمزه و عباس = کا کا های پیامبر (ص) که مسلمان بودند

ابن زید (مراد اسامه ابن زید است که فرزند گفته رسوا الله بود و در نزد پیامبر (ص) بزرگ شده بود
سلمان فارسی نیز یکی از اصحاب جلیل القدر بود .

مدت زمانی ازین نوشته ام گذشته بود که متوجه شدم که دوست دیرینه ام (جناب آقای عبد الحی پیرزاده) نوشته تحت عنوان : « نقد شعر آقای عزیزی » در فیس بوک بدست نشر سپرده بودند :

اگر چه من نقد ایشان را خواندم و چون اکثر محتوای نوشته منظوم من با نوشته شان همخوانی داشت ، و البته توضیحات اضافی را می طلبید ، من نخواستم ، تا با پاسخ خویش ، کدورت خاطر آقای پیر زاده را فراهم سازم تا اینکه برای مرتبه دوم ؛ نوشته دیگری از ایشان با لحن درشت و غیر دوستانه در صفحه فیس بوک نشر شد . هر چند بعضی از قسمتها و محتوای نوشته بعدی ایشان ربطی به موضوع اصلی اهل بیت نداشت ، و طوریکه معلوم می شد از نوشته های دیگر من که در تقبیح و نکوهش اعمال جنایتکارانه رژیم سفاک و درنده خوی سوریه (بشار اسد عالی) ، صورت گرفته بود دلخور شده بودند ، و و هم چنین در مورد ذوق و سلیقه شخصی ام نیز برای ایشان سوالهای خلق شده بود؟ و.....

و من نمی خواهم تا درین نوشته از آن موضوعاتی که بر شخص من و یا مطالب سیاسی من ایراد گرفته اند ، یاد آوری کنم بلکه موضوع اصلی من روشن شدن بهتر مشمولین اهل بیت پیامبر (ص) که یکی از موضوعات داغ و جنجال برانگیز بین محبان همه اهل بیت (کسانیکه همه اهل بیت پیامبر (ص) دوست دارند) و کسانیکه بنام محبت بعضی از اعضای اهل بیت بر سایر اهل بیت و یاران و اصحاب رسول الله هتک حرمت کرده و فحاشی و بد زبانی میکنند ، خواهم پرداخت .

بنابر اهمیت موضوع و هم چنین رفع ابهام و سوء تفاهم و یا نکات غیر روشنی که در نزد آقای پیرزاده موجود است ، مرا وادار کرد تا وارد بحث اهل بیت پیامبر (ص) شده و انشاء الله تا حد امکان و بصورت نسبتاً مفصل تری این موضوع را بازگو خواهم کرد .

اینکه اهل بیت پیامبر شامل چه کسانی اند، مستلزم آنست تا کمی بیشتر به قرآن و کتب احادیث و نظر علما و مفسرین و..... مراجعه نموده و انشاء الله این موضوع را بیشتر موشگافانه بررسی خواهیم کرد .

اما از آنجائیکه بنده مصروفیتهای نوشتاری دیگری هم داشتم و متأسفانه که در دو هفته قبل مصاب به ریزش سخت بودم فرصت نیافتم تا درین مورد مطالبی را بنویسم ، و حال انشاء الله وعده میسپارم تا ، به این موضوع که دانستن آن برای تمام برادران و خواهران مسلمان ما ضروریست مطالبی را کمی مشرح تر بنویسم و امید وارم ، تا از اطالعه موضوع برادران و خواهران من احساس خستگی نکنند .

و برای این امر من موضوع را شامل چند قسمت خواهم نمود و امید وارم تا دوستان آنها را یکی پی دیگر مرور کنند تا حق مطلب ادا شده بتواند .

قبل از اینکه وارد بحث بشوم لازم است تا کاپی نوشته نقد آقای پیر زاده را نیز با کمال امانت داری درین نوشته درج کنم تا پاس حرمت ایشان را رعایت کرده باشم .

نقد شعر آقای عزیزی :

۷۸۶ / نحمده و نصلی علی رسوله الکریم و اما بعد :

<< اهل بیت پاک پیغمبر اول همسران = هم علی و فاطمه سبطین و باقی دختران

حمزه و عباس و ابن زید و اولاد عقیل = همچنان سلمان را گفت آن رسول انس و جان >>

شعر بالا از جناب آقای عزیز << عزیزی >> شاعر چیره دست و با استعداد است که با

یک عالم احترام میخواهم نقدی به ارتباط آن داشته باشم ، امید وارم ، این نظر بنده ، بی ادبی شمرده نشده

و از آنچه نمیدانم به بزرگواری خود برایم جواب قانع کننده اعطا بفرمایند.

آقای عزیزی ، عزیز ، مرحوم ملاحسین کاشفی در تفسیر بنام << حسینی >> در ذیل آیه ۳۳ سوره احزاب چنین مینگارد

<< صاحب کشف آورده که این آیت دلیل است بر آنکه ازواج نبی اهل بیت وی اند و در وسیط از عکرمه نقل میکند که

مراد از اهل بیت ازواج وی اند به دلیل خطاب گذشته و آینده و ضمیر مذکر در بطهرکم به جهت تغلیب است ، چه پیغمبر در میان

ایشان بوده و در زادالمسیر قولی آورده که عام است مر ازواج و اولاد را و در احقاف از امام منصور ماتریدی همین را نقل میکند و صاحب

عین المعانی فرموده که ظاهر تفسیر دلالت بر آن دارد که اهل بیت ازواج باشند ، اما از عایشه و ام سلمه رض و ابوسعید خدری و انس ابن مالک رض

نقل کرده اند که اهل بیت فاطمه و علی و حسن و حسین و در اسباب نزول آورده که ام سلمه فرمود که پیغمبر در خانه من گلیمی که بر فراش وی افکنده بودم

نشسته بود ، فاطمه رض در آمده و جهت حضرت سنبوسات با گوشت پخته آورده بود ، حضرت فرمود که ای فاطمه ، علی و فرزندان را بخوان ، تا در این خوان

با ما همسایه شوند و چون طعام خورد ، مصطفی فضلہ آن گلم بر ایشان پوشید و گفت خدایا اینها اهل بیت من اند ، رجس را از ایشان بیر و ایشان را پاکیزه گردان

این آیت نازل شد ، و من سر خود را در زیر گلم کردم و گفتم یا رسول الله من از اهل بیت تو ام ، فرمود که ، انک علی خیر ، از این جهت است که آل عبا بر این پنج

تن اطلاق میکنند << آل العبا رسول الله وابنته = والمرضى ثم سب طاه اذا جمعوا >> در تیسیر و بعضی دیگر از تفاسیر از انس ابن مالک نقل میکنند که چون وقت نماز بر در خانه فاطمه بگذشتی و گفתי الصلوات، انما یرید الله لیزهبن عنکم الرجس اهل البیت و یطهیرکم تطهیرا >> و همچنان از عایشه ام المومنین در صحیح مسلم نقل شده که پیغمبر ص روزی با عبا از موی سیاه خارج شد و آنگاه به ترتیب حسن و حسین و علی و فاطمه س داخل کساء شدند و آنگاه آیه << انما یرید الله ... >> نازل شد و فخر رازی هم در تفسیر کبیر در ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران << فمن حاجک فیہ من بعد ... ترجمه : پس هر کس پس از دانشی که به تو آمد با تو در باره عیسی باتو محاجه کند بگو بیایید تا بسران ما و پسران تان و زنان مان و زنان تان و خود مان و خود تان را فرا خوانیم سپس مباحله کنیم (یکدیگر را نفرین کنیم) و نفرین خدا را بر دروغگویان قرار دهیم >> و ادامه میدهد ... و عاقب که سر دسته شان بود گفتند : ای بنده مسیح چه بینی ؟ و او گفت : به خدا سوگند ای گروه ترسایان شما میدانید که محمد پیامبر مرسل است و در باره صاحب تان یعنی عیسی

کلام حق آورده است و سوگند به خدا که هیچ قومی با پیامبری مباحله نکرده است مگر اینکه نه بزرگشان زنده مانده و نه کوچک شان بر جای مانده و رشد کرده ... ولیکن رسول الله بر آنان بیرون آمد در حالی که مرطین (جامه پشمین) از موی سیاه بر تن او بود و حسین را در بغل گرفته بود و دست حسن را بر دست داشت و فاطمه س پشت او می آمد و علی به دنبال او بود و آنحضرت میگفت چون من دعا کنم شما امین بگویید پس اسقف نجران گفت : ای گروه ترسایان من چهره های را میبینم که اگر از خدا بخواهند کوهی را از جای خود بکنند، این کار را برای خاطر ایشان میکند، پس مباحله مکنید... و باز هم به ادامه خاطر نشان ساخته که << و روایت شده که چون آن حضرت در جامه سیاه بیرون آمد آنگاه حسن و حسین آمدند، پس از آن فاطمه و علی آمدند آنحضرت فرمود << انما یرید الله >>... و باید دانست که این روایت از حیث سند وصحت مورد اتفاق میان مفسران و اهل حدیث است / >> و باید خاطر نشان نمود که در مورد آیه << ند عوبنا! همه مفسرین و اهل حدیث اتفاق نظر داشته و دلیلی به جز از آل عبا نیآورده اند و اما در رابطه به آیه .. ۲۳. سوره شوری ... << قل لا اسالکم ... >> ... بگو در تبلیغ رسالت از شما مزد نمیخواهم مگر اهل بیت مرا دوست داشته باشید باز هم در تفسیر حسینی از ابن عباس منقول است که ... صحابه بعد از نزول این آیت گفتند یا رسول الله خویشان شما که مودت شان باید کرد که ها هستند ؟ فرمود که << علی و فاطمه و حسن و حسین و در تفسیر شلبی آورده که خویشان حضرت رسول بنو هاشم و بنوالمطلب اند که خمس بر ایشان قسمت باید کرد >> و احمد ابن حنبل در کتاب << فضائل الصحابه >> با سند خود از سعید ابن جبیر از عمرو چنین نقل میکند هنگامیکه آیه << قل لا ... نازل شد اصحاب گفتند یا رسول الله خویشان تو که مودت آنها بر ما لازم است

که ها هستند ؟ فرمودند << علی و فاطمه و دو فرزند شان و این سخن را سه بار تکرار فرمود >> و در تفسیر در المنثور هم اهل بیت را آل عبا بیان نموده است / و اینکه نبی کریم ص چرا سلمان و بلال حبشی را منصوب به اهل بیت خود فرمودند، نزد ارباب خرد معلوم است که در هین حفر خندق، رسول خدا دستور دادند هرکس با اعضای قبیله خود خندق حفر نماید و ساحه را میان شان تقسیم نمودند، چون عده از صحابه به سلمان و بلال به شکل مزاح صدا کردند که سلمان و بلال را ببینید که چطور با قبیله خود در کندن کاری خندق مصروف هستند، و سلمان و بلال حبشی با شنیدن این سخن احساس حقارت نمودند و نبی کریم و صاحب خلق عظیم فرمودند

<< ان سلمان من اهل بیتی >> و سلمان فارس با استماع این سخن رسول الله خوشحال شده و با اهل بیت رسول خدا در حفر خندق ملحق شدند و همچنین با بلال حبشی هم همانطور، جناب آقای عزیزی : حالا شما لطف بفرمایید که من نادان سخن شما را قبول کنم یا از خدا و پیغمبر و سایر آن بزرگوارهای دین را؟؟؟

و شما حتما آگاهی کامل دارید که پیغمبر جلیل القدر اسلام میفرماید << بلغو عنی و لو ... و من کذب ... متعمدا فلیتبو ا مقعده من النار >> << روایه بخاری >> احکام دین و شریعت مرا به مردم برسانید و لو یک آیت باشد، روایت و حکایت کردن از بنی اسرائیل باکی ندارد و کسیکه نسبت حدیث دروغین را به من بدهد پس جای نشستن خود را در دوزخ آماده کند << اللهم صلی علی محمد و علی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید ، اللهم بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید >> والسلام

من قبل از اینکه به تشریح مفصل مضمولین اهل بیت پیامبر (ص) بر طبق آیات واحادیث معتبر و نظر علمای اعلام و مفسرین بپردازم باید یاد آور شوم که:

مواردی را که آقای پیرزاده از تفسیر حسینی - تفسیر کشاف و ... بارتباط اینکه ازواج رسول الله (ص) بدرجه اول مضمول اهل بیت پیامبر (ص) میباشند ، اختلاف نظری بین علمای اهل تسنن وجود ندارد و تنها اهل تشیع و خاصتا غلات ، روافض که بر خلاف نصوص متعدد قرآن کریم، یاران گرامی واصحاب بزرگوار رسول الله (ص) و خاصتا ازواج مطهرات (امهات المومنین) مورد بی ادبی و هتاک و سب و لعن قرار میدهند، ازواج رسول الله یعنی امهات المومنین (رض) را از اهل بیت خارج میدانند . که متأسفانه آقای پیر زاده ازین موضوع نیز طفره رفته و هیچ اشاره به آن نکرده بودند ، و جناب آقای پیر زاده با طرح حدیث کسا که از ام سلمه (رض) روایت شده است ، نیز طوری مسئله را تشریح کردند ، که گویا اهل بیت تنها مضمول سیدنا علی - فاطمه - حسن و حسین (رضوان الله تعالی علیهم اجمعین) میباشند و لا غیر . در حالیکه آیات متعددی و احادیث کثیر رسول الله (ص) براین امر صراحت دارد که مضمولین اهل بیت پیامبر در قدم اول همسران ایشان میباشند و بعدا جناب پیامبر (ص) دیگر اقوام و اعضای خانواده و حتی بعضی اصحاب را نیز چنین افتخار بزرگ بخشیده اند قرآنکریم بر طبق آیات متعدد ازواج مطهرات افراد درجه اول اهل بیت معرفی کرده است ، و باز خود جناب ایشان بر طبق حدیث کسا سیدنا حضرت علی (رض) و حضرت فاطمه و سیدنا امام حسن و امام حسین (رضوان الله تعالی علیهم اجمعین) نیز افتخار شمولیت در اهل بیت داده اند.

و هم چنین بر طبق احادیث معتبر و متعدد دیگر جمعی دیگر از اعضاء فامیل و کاکا های مسلمان پیامبر (ص)، اقوام بنی عبدالمطلب - بنی هاشم و آل علی آل جعفر و آل عقیل و هم چنین بر طبق دیگر روایات دیگر ، اسامه ابن زید و سلمان فارسی را نیز آنحضرت (ص) مضمول اهل بیت گردانیدند ، که انشاء الله به ترتیب با استناد آیات بینات واحادیث معتبر رسول الله به تشریح کامل آنها خواهم پرداخت.

1- همسران جناب پیامبر (امهات المومنین) اولین اعضای اهل بیت آن حضرت (ص) میباشند:

اهل سنت و جماعت ، تمام کسانی که با رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) ارتباط خویشاوندی دارند همچون همسران و فرزندان و عموها و فرزندان آنها را از اهل بیت رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) می دانند آیا همسران رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) از اهل بیت ایشان هستند؟

ما اگر بر ای یافتن جواب این سؤال به زبان عربی مراجعه کنیم و به آن آیاتی از قرآن مجید که در آنها کلمه «اهل» بکار برده شده نظری بیافکنیم، می توانیم پی ببریم همسران رسول الله (صلی الله علیه و سلم) نخستین کسانی هستند که از اهل بیت ایشان محسوب می گردند

در فرهنگهای زبان عربی در مورد معنی کلمه «اهل» اینگونه گفته شده است

«اهل امر یعنی مسئولین امر. اهل خانه یعنی ساکنین خانه. اهل مذهب یعنی پیروان آن. اهل مرد یعنی همسر او» [1].

زمخشری در این رابطه می گوید: «تاهل یعنی (آن مرد) ازدواج کرد» [2]

خلیل بن احمد نیز در مورد معنی کلمه «اهل» می گوید: «اهل مرد، همسر او است. و تاهل بمعنی ازدواج می باشد» [3].

در فرهنگهای زبان فارسی همچون فرهنگ معین نیز در مورد معنی «تاهل» گفته شده: «زناشویی کردن، زن گرفتن، دارای عیال و اولاد شدن»

پس از دانستن این مطلب که در زبان عربی اساسی ترین معنی کلمه «اهل» همسر می باشد، بیابید نظری بر آیات قرآن مجید بیافکنیم و ببینیم این کلمه در قرآن مجید به چه معنایی بکار برده شده است. خداوند متعال در سوره هود در مورد قصه ابراهیم -علیه السلام- می فرماید:

(وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَهَبْتُنَّاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ * قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ * قَالُوا أَنْعَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ).

[هود / 71، 72، 73]

«در آن حال) همسر ابراهیم ایستاده بود. او (از شنیدن خبر فرا رسیدن عذاب قوم لوط) لبخندی بر لب زد. ما او را به فرزندی بنام اسحاق و از اسحاق به نوه ای بنام یعقوب بشارت دادیم. همسر ابراهیم گفت: وای بر من، آیا ممکن است من که زنی سالخورده و دارای شوهری پیر هستم، فرزندی به دنیا آورم؟ براسستی این مسأله بسیار شگفت انگیز است. فرشتگان به او گفتند: آیا از کار و اراده خداوند تعجب می کنی؟ رحمت و برکات خداوند بر شما باد ای اهل بیت»

در این آیه بوضوح می بینیم که چگونه همسر ابراهیم -علیه السلام- بعنوان اهل بیت ایشان معرفی شده و در مورد ایشان ضمیر جمع مذکر «علیکم» بکار برده شده است.

همچنین خداوند متعال در مورد قسمتی از داستان زندگی موسی -علیه السلام- فرموده است.

(فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا) [الفصص / 29].

«هنگامیکه موسی مدت مورد اتفاق را (در خدمت شعیب) به پایان رساند، با همسر خود (بسوی مصر) براه افتاد. او در راه، آتشی را از جهت کوه طور مشاهده کرد. او به اهل خود گفت: من آتشی مشاهده کرده ام. شما اینجا منتظر باشید (تا من خبری کسب کنم).»

در این آیه نیز می بینیم خداوند متعال به هنگام سخن در مورد همسر موسی -علیه السلام- از او بعنوان اهل موسی یاد می کند. چون بنا بر اقوال تمام مفسرین مراد از اهل موسی، همسر ایشان می باشد. زیرا هیچکس دیگری در این سفر به همراه ایشان نبوده است.

طبرسی یکی از مفسرین شیعه در مورد تفسیر قول خداوند در سوره نمل: **(إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ). (النمل: 7)**. می گوید: «موسی به همسر خود، یعنی دختر شعیب گفت...» [4].

و در سوره احزاب نیز می بینیم خداوند متعال از همسران رسول الله (صلی الله علیه وسلم) بعنوان اهل بیت ایشان نام برده است برای روشن شدن بهتر موضوع در سوره احزاب از آیه 28 تا آیه 34 که همه آیات در مورد زنان پیامبر (ص) بدین شرح نازل شده است چنین میخوانیم :

(يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا فَعَلَّيْنَ أَمِعْكُنَّ وَأَسْرَحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا * وَإِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا * يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنِ يَاْتُ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا * وَمَنْ يَفْعَلْ مِنْكُنَّ لَهُ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِيهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا * يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا * وَفَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا * وَادْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا). (الأحزاب: - 28-34 -)

«ای پیامبر، به همسران خود بگو: اگر به دنبال زندگی دنیوی و خوشیهای آن هستید، بیابید تا شما را متاعی داده و به نیکی طلاقان دم. و اگر خداوند و پیامبر و آخرت را خواهانید، بدانید خداوند برای آن عده از شما که راه احسان و نیکو کاری پیش گیرند اجر و پاداش عظیمی مهیا ساخته است. ای همسران پیامبر، هر آنکس از شما مرتکب گناه و

معصیتی گردد، عذاب و عقاب او، دو برابر عقاب دیگران خواهد بود و این کار برای خداوند بسیار سهل و میسر است.

ای همسران پیامبر، هر آنکس از شما فرمانبردار او امر خداوند و پیامبر گردد و عمل صالح و نیکو انجام دهد، پاداش او را دو برابر خواهیم داد و برای او (در بهشت) رزق و روزی نیکویی مهیا ساخته ایم. ای همسران پیامبر، اگر شما راه تقوی و پرهیزکاری پیش گیرید هرگز همانند سایر زنان صالحه نخواهید بود (بلکه مقام و منزلتی رفیع تر خواهید داشت). شما هرگز با لطافت و ناز سخن مرانید، تا مبادا آنکس که دلش بیمار (هوی و هوس) است به طمع افتد. بلکه بر شما است که با متانت و شایستگی سخن گوید. و در خانه هایتان بنشینید و هرگز بدن خود را همانند تیرجی که در زمان جاهلیت صورت می گرفت مکشوف مسازید. نماز بپا دارید و زکات دهید و از خداوند و پیامبر او فرمانبرداری کنید. ای اهل بیت پیامبر، همانا خداوند می خواهد گناه و معصیت را از شما دور سازد و پاک و منزّه تان گرداند. بر شما است آنچه از آیات و احادیث که در خانه هایتان تلاوت می شود را خوانده و بیاد بسپارید. براستی که خداوند بر همه چیز آگاه بوده و به تمام امور دانا است»

در تفسیر مولانا شبیر احمد دیوبندی (معروف به تفسیر کابلی) در ذیل آیه

[« إِنْ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً.... »]

چنین میخوانیم :

« کسانیکه در نظم قرآن تدبیر و تفکر میکنند قطعا درین شک و شبهه ندارند که مدلول آیه اهل بیت ازواج مطهرات یقیناً شامل اند زیرا که در رکوع گذشته و آینده روی سخن خاص بطرف آنها است و نیز نسبت « بیسوت » اول در « وقرن فی بیوتکن » بعد از آن در « وَذُكُرْنَ مَا يَتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ بِسُورَاتِنَا أَنْزَلْنَاهَا - علاوتاً این کلمه در قرآن عموماً بهمین سیاق استعمال گردیده است .

در حین خطاب برای حضرت ساره خانم حضرت ابراهیم (ع) ملائکه فرمودند: «اتعجبین من امر الله، رحمة الله وبركاته عليكم اهل البيت..... هود رکوع 7 »

با وجودیکه زن مطلقه از نکاح خارج میشود ، مگر پیش از انقضای عدت نسبت بیت بطرف او کرده شده چنانچه فرمود: « ولا تخرجوهن من بيتهنسوره طلاق رکوع - 1 » وهم چنین در قصه حضرت یوسف (ع) بیت را بسوی زلیخا منسوب نمود : « وراودته التي هو فی بیتههایوسف رکوع-3 »

بهرحال داخل بودن ازواج مطهرات در اهل بیت درین موقع یقینی است و خطاب مستقیم آیه فوق به ایشان است . البته اولاد و داماد هم در اهل بیت شامل اند .

چنانچه در یک روایت از مسند احمد از کلمه «احق» ظاهر میگردد ، در حینیکه آنحضرت (ص) فاطمه - علی - حسن و حسین را در یک چادر گرفت وگفت « اللهم هولاء اهل بیتی» فرمود و هم چنین در اثنا نیکه از قریب خانه فاطمه (رض) گذشتند به «الصلوة اهل البيت یزیدا لله لیذهب عنکم الرجس ... الخ» خطاب نمودند ، اظهار این کلمات برای این حقیقت بود که اگر چه آیت خلص در مورد ازواج مطهرات نازل شده است و مخاطبه فقط به آنها است ، مگر این حضرات هم بطریق اولی مستحق این لقب و اهل فضیلت تطهیر اند و چون ازواج مطهرات اولین مخاطب خطاب قرآنی بودند ، لهذا برای آنها ضرورت اینگونه اظهار و تصریح باقی نمی ماند. والله اعلم بالصواب - تفسیر کابلی]

با این بیان دانسته میشود که نه تنها ازواج مطهرات بلکه اولاد حضرت رسول (ص) مشمول اهل بیت هستند و چون اولاد پسر ایشان در خرد سالی وفات کردند ، پس همانطوریکه فاطمه (رض) مشمول اهل بیت بوده است سه

دختران دیگر پیامبر (ص) که عبارت اند از زینب و رقیه و ام کلثوم (رقیه و ام کلثوم) زوجه های حضرت عثمان ابن عفان بودند (نیز مشمول اهل بیت میباشند .

در تفسیر ابن کثیر و سایر تفاسیر نیز به این موضوع اشاره شده که نسبت تمام آیه های 28 تا 32 سوره احزاب به خانواده پیامبر خطاب شده است ، بناءً همه متفق الرای هستند بر اینکه ازواج مطهرات اولین افراد اهل بیت پیامبر (ص) هستند

علامه ابن کثیر در توضیح نهائی این آیات میفرماید که :
« هذه آداب أمر الله تعالى بها نساء النبي صلى الله عليه وسلم، ونساء الأمة تبع لهن في ذلك، فقال مخاطباً لنساء النبي [صلى الله عليه وسلم] (6) بأنهن إذا اتقين الله كما أمرهن، فإنه لا يشبههن أحد من النساء، ولا يلحقهن في الفضيلة »
« این آدابیست که الله سبحانه و تعالی امر کرده است ؛ برای زنان پیامبر و زنان امت را که از ایشان پیروی میکنند . ولیکن مخاطب زنان پیامبر (ص) هستند ، زیرا زنان مسلمانان باز اگر هم تقوا پیشه کنند ، هیچ یک از زنان مومنین نمیتوانند مانند زنان پیامبر باشند و یا از نظر فضیلت به آن درجه برسند »

(پا یان قسمت اول)

30-12-2012

ادامه دارد

منابع و رفرنسها :

- تفسیر ابن کثیر
- تفسیر کابلی
- القاموس للفيروز آبادی ص 432 ج 3 فصل الهمزه و الباء باب اللام ط البابی الحلبي مصر 1952 م.
- اساس البلاغه للزمخشري ص 11 ط مصر 1935 م
- مقاييس اللغة لابی الحسين احمد بن فارس زكريا ج 1 ص 150 ط بيروت.
- تفسیر مجمع البيان ج 4 ص 211 سوره نمل.